

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

علی افروزه^۱

محمد پورکیانی^۲

محمدرضا برومند^۳



[10.22034/ssys.2023.2900.3115](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2900.3115)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۴/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۵/۱۶

کمیته ملی پارالمپیک ایران به تبعیت از ساختارهای جهانی، تغییراتی را در حاکمیت رشته‌های پارالمپیک به منظور توسعه ورزش فراگیر برای افراد دارای معلولیت انجام داده است. در همین راستا، از سال ۱۳۹۸ برخی از رشته‌های ورزشی معلولان از «فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان» به فدراسیون‌های ملی انتقال پیدا کرده است. لذا، هدف این پژوهش، شناسایی ضرورت و چالش‌های انتقال رشته‌های ورزشی معلولان به فدراسیون‌های ملی بود. پژوهش به صورت کیفی انجام شد و ۱۳ نفر از خبرگان ورزش معلولان، خبرگان مدیریت ورزشی، ورزشکاران پارالمپیک، مدیران کمیته ملی پارالمپیک و مدیران فدراسیون‌ها به صورت هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و برای تحلیل مصاحبه‌های کیفی، از رویکرد استقرایی و تحلیل مضمون استفاده گردید. همچنین، برای تسهیل استخراج، طبقه‌بندی و مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا بهره‌گرفته شد. داده‌ها به صورت کلی در دو بخش ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال طبقه‌بندی شدند. در قسمت اول، مشارکت ورزشی، الزامات بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی قانونی، لزوم تنوع و فراگیری در جامعه، توسعه فنی، فقدان ظرفیت در فدراسیون‌های مبدأ و لزوم توسعه پایدار به عنوان مقولات اصلی در بخش ضرورت انتقال طبقه‌بندی شدند. سپس داده‌ها در بخش چالش‌های انتقال رشته‌ها به فدراسیون‌های ملی در مقولات چالش‌های ساختاری، ضعف در سیاست‌های کلان، سوگیری، رویکرد استیجاری، مقاومت در برابر انتقال و فقدان تجربه زیست مشترک طبقه‌بندی شدند. علیرغم ضرورت انتقال به منظور فراگیری، افزایش فرصت‌ها و توسعه مشارکت ورزشی، به نظر می‌رسد این انتقال چالش‌های فراوانی را برای ورزشکاران دارای معلولیت، فدراسیون‌های ملی و کمیته ملی پارالمپیک در پی داشته است. یکی از پیشنهادات اساسی برای بهبود این فرایند در مرحله اول، به‌روزرسانی سیاست‌های کلان ورزشی، تغییر آیین‌نامه‌ها و اساسنامه فدراسیون‌هاست که می‌تواند به بهبود این انتقال کمک نماید.

واژگان کلیدی: ورزش فراگیر، ورزش معلولان، انتقال رشته‌های ورزشی معلولان و کمیته ملی پارالمپیک ایران.

^۱ استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M_pourkiani@sbu.ac.ir

^۳ استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

بازی‌های پارالمپیک در سال‌های اخیر رشد خیره‌کننده‌ای داشته‌اند و همواره تعداد ورزشکاران و کشورهای شرکت‌کننده در این رویداد افزایش یافته است (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۲۲). اما با این حال، همچنان افراد دارای معلولیت در حاشیه هستند و مشارکت ورزشی پایینی دارند (میزنر و داریسی^۱، ۲۰۱۴). یکی از دلایل موضوع فوق، فقدان سیاست‌های موثر و عدم فراگیری در جامعه است (سازمان جهانی سلامت^۲، ۲۰۱۳). منظور از فراگیری، پذیرش مسئولیت برای فراهم کردن فرصت‌های ورزشی و اقدامات لازم برای اطمینان از ارائه فرصت برابر مشارکت ورزشی برای همه افراد جامعه است (میزنر و داریسی، ۲۰۱۴). به طور کلی، مفهوم ادغام و فراگیری، دسترسی برابر و همچنین پذیرش همه‌ی افراد در جامعه است (هاو^۳، ۲۰۰۷). یکی از مزایای فراگیری در ورزش افراد دارای معلولیت، افزایش تعاملات و ارتباطات بین افراد دارای معلولیت و افراد بدون معلولیت است که این موضوع منجر به بهبود نگرش نسبت به افراد دارای معلولیت و همچنین احتمال افزایش مشارکت وی در جامعه و ورزش می‌شود. اجرای ورزش فراگیر در جامعه از سال‌های گذشته مورد توجه پژوهشگران مختلف بوده است. با وجود این، جوامع همواره با چالش‌هایی برای پیاده‌سازی ورزش فراگیر در جامعه مواجه بوده‌اند (ویلهايت، موش، گولدنبرگ و همکاران^۴، ۱۹۹۷). در همین راستا، توصیه به ادغام ورزشکاران دارای معلولیت در سازمان‌های ورزشی افراد بدون معلولیت و توسعه فراگیری، توسط کمیته بین‌المللی پارالمپیک^۵ (IPC) مطرح شده است (استیدوارد^۶، ۱۹۹۶). این موضوع به قدری حائز اهمیت است که کمیته بین‌المللی پارالمپیک در سال ۲۰۱۹ چشم انداز خود را به «خلق یک جهان فراگیر از طریق ورزش‌های پارالمپیکی» تغییر داده است (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۱۹). لذا، کمیته بین‌المللی پارالمپیک در سال‌های اخیر اقدامات جدی برای توسعه ورزش فراگیر در جهان انجام داده است (پورکیانی و همکاران، ۱۴۰۱). یکی از اقدامات مهم این سازمان به منظور توسعه فراگیری، تغییر ساختار و انتقال حاکمیت رشته‌های ورزشی از IPC به فدراسیون‌های بین‌المللی است. در سال‌های گذشته، کمیته بین‌المللی پارالمپیک نقش حاکمیتی برای رشته‌های ورزشی را بازی می‌کرد و خود به عنوان فدراسیون جهانی آن رشته ایفای نقش می‌کرد، اما با توجه به سیاست‌های جدید، اکنون تنها حاکمیت ۱۰ رشته بر عهده کمیته بین‌المللی پارالمپیک است که

¹ Misener & Darcy

² World Health Organization

³ Howe

⁴ Wilhite, Mushett, Goldenberg, & Trader

⁵ International Paralympic Committee

⁶ Steadward

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

مقرر شده تا پایان سال ۲۰۲۶، این رشته‌ها نیز به فدراسیون‌های بین‌المللی ورزشی یا سازمان‌های بین‌المللی افراد بدون معلولیت واگذار شود (کمیته بین‌المللی پارالمپیک، ۲۰۱۹). ارتباط نزدیک و پایدار کمیته بین‌المللی المپیک و کمیته بین‌المللی پارالمپیک و وجود تفاهم‌نامه‌های مختلف بین این دو سازمان باعث شده این انتقال‌ها با هدف توسعه ورزش معلولان، ورزش فراگیر و افزایش فرصت‌های مشارکت ورزشی صورت پذیرد (لگ و همکاران، ۲۰۱۵). برخی از کشورهای پیشرو نیز با هدف توسعه فراگیری، سیاست مذکور را به صورت ملی دنبال و ورزش معلولان را در فدراسیون‌های ورزشی افراد بدون معلولیت ادغام کرده‌اند، این موضوع در سال‌های اخیر به یکی از مباحث مهم در ساختار و حاکمیت ورزشی مطرح شده است (کنک و همکاران ۲۰۱۹). قبل از سال ۱۹۹۷، ورزش معلولان در نروژ توسط سه سازمان ورزش برای افراد دارای معلولیت نروژ^۳، کمیته ورزش برای کم‌توانان ذهنی^۴ و فدراسیون ورزش برای ناشنوایان نروژ^۵ مدیریت و سازماندهی می‌شد، اما در سال ۱۹۹۷ به عنوان اولین گام توسعه ورزش در مسیر اصلی، هر سه سازمان در یک سازمان با عنوان «سازمان ورزش برای افراد دارای معلولان نروژ»^۶ ادغام شد. هدف اصلی این سازمان، سازماندهی فعالیت‌های ورزشی برای افراد دارای معلولیت از طریق فدراسیون‌های ملی تعریف شد. فرایند فراگیری، از بالاترین سطح ورزش نروژ (کمیته ملی المپیک نروژ و کنفدراسیون ورزش) با تصمیم‌گیری در هیئت رئیسه آغاز شد و هدف نهایی این تصمیم، برابری، پذیرش و درک همه شرکت‌کنندگان در ورزش و افزایش مشارکت ورزشی اعلام شد. بدین منظور از فدراسیون‌های ملی درخواست شد تا مسئولیت ورزش معلولان نیز بر عهده بگیرند و در مقابل، از طرف کمیته ملی المپیک نروژ و کنفدراسیون ورزش کمک مالی دریافت نمایند (سورنسن و کارس^۷، ۲۰۰۶). مرکز ورزش کانادا در سال ۲۰۰۶، اهمیت ادغام و فراگیری ورزش حرفه‌ای افراد دارای معلولیت در بدنه ورزش کانادا را بسیار برجسته و مهم بر شمرده (هاو^۸، ۲۰۰۷). سیاست کانادا برای افراد دارای معلولیت (۲۰۰۶) با هدف افزایش مشارکت افراد دارای معلولیت در ورزش، ظرفیت‌سازی و افزایش کسب موفقیت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، ادغام ورزش افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی ورزش کاناداست. بنابراین عمده

¹ Legg, Fay, Wolff, & Hums

² Klenk et al.

³ The Norwegian Organization of Sport for the Disabled

⁴ The Committee for Sport for the Mentally Retarded

⁵ The Norwegian Federation of Sports for the Deaf

⁶ The Norwegian Sports Organization for the Disabled

⁷ Sørensen & Kahrs

⁸ Howe

مدیریت و برنامه‌ریزی ورزش معلولان در کانادا از طریق فدراسیون‌های ورزشی افراد بدون معلولیت انجام می‌شود (سیاست ورزش کانادا برای افراد دارای معلولیت، ۲۰۰۶).

ساختار ورزش معلولان در ایران شامل سه فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان، ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان و ورزش‌های ناشنوایان می‌باشد. البته برخی از انجمن‌ها مثل المپیک ویژه و کوتاه قامت‌ان به صورت مستقل در حال فعالیت هستند، اما در ساختار حاکمیتی ورزش معلولان ایران قرار ندارند. همچنین تا قبل از سال ۱۳۹۶، کمیته ملی پارالمپیک در قالب کمیته ملی المپیک فعالیت می‌کرد، اما در سال ۱۳۹۷، ساختار و بودجه کمیته ملی پارالمپیک به صورت کامل از کمیته ملی المپیک مستقل گردید (افروزه، ۱۴۰۱). این موضوع باعث شد فعالیت‌های کمیته ملی پارالمپیک گسترده‌تر از قبل دنبال شود. کمیته ملی پارالمپیک ایران به تبعیت از کمیته بین‌المللی پارالمپیک در سال‌های اخیر تغییراتی را در حاکمیت رشته‌های پارالمپیکی به منظور توسعه ورزش فراگیر برای افراد دارای معلولیت انجام داده است. تا قبل از سال ۱۳۹۸، تمام رشته‌های ورزش معلولان در قالب انجمن‌های ورزشی در دو فدراسیون ملی ورزش‌های جانبازان و معلولان و فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان فعالیت داشتند، اما به تدریج و تاکنون رشته‌های پاراتیروکمان، پاراتنیس، پاراتنیس روی میز، پاراسوارکاری، پاراترای‌اتلون، پاراقایقرانی، پاراتکواندو، پارادوچرخه سواری، پارادمپتون به فدراسیون‌های ورزشی ملی افراد بدون معلولیت واگذار شده است.

علیرغم مزایای انتقال رشته‌های ورزش معلولان به فدراسیون‌های ورزشی، این سیاست چالش‌های فراوانی نیز در پی خواهد داشت (هامس و همکاران، ۲۰۰۳، میزنر و دارسی، ۲۰۱۴). در همین زمینه، هاموند و جینز^۱ (۲۰۱۸) بیان داشتند پس از انتقال رشته‌های ورزش معلولان به فدراسیون‌های ملی استرالیا در اوایل دهه ۲۰۰۰، ورزش حرفه‌ای در بخش پایه، رشد چندانی را تجربه نکرد و این بخش همچنان با مشکلاتی مواجه است. هاو (۲۰۰۷) نشان داد علیرغم اینکه دوومیدانی معلولان توسط فدراسیون دوومیدانی کانادا مدیریت می‌شود، اما ادغام به خوبی رخ نداده است و حتی می‌توان گفت ورزشکاران دارای معلولیت و بدون معلولیت به صورت کامل جدا از یکدیگر هستند. همچنین فدراسیون دوومیدانی کانادا هنوز به صورت کامل نتوانسته ورزشکاران دارای معلولیت و ارزش‌های آنان را بپذیرد. از طرفی هنوز ورزشکاران دارای معلولیت در فرایند تصمیم‌گیری دخیل نیستند. پیرز و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نیز در تحقیق اخیر خود نشان دادند اثری از ورزشکاران پارادومیدانی در وبسایت فدراسیون دوومیدانی کانادا وجود ندارد؛ ورزشکاران

¹ Hammond and Jeanes

² Peers, Konoval, Naturkach

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

پارالمپیک اغلب در حاشیه و در سایه ورزشکاران بدون معلولیت هستند و اخبار مرتبط با آنان بیشتر همراه با موارد پزشکی و یا خیریه است.

مک‌بین و همکاران^۱ (۲۰۲۲) با تحلیل تاریخی ساختار ورزش معلولان در نیوزند نشان دادند از دهه ۱۹۸۰ سیاست ورزش معلولان متأثر از مدل اجتماعی معلولیت توسعه یافته و تلاش برای ادغام و فراگیری آغاز شده است. علیرغم توسعه سیاست‌های فراگیری در ورزش نیوزند و تدوین چشم‌انداز الهام‌بخش برای توسعه ورزش معلولان، افراد دارای معلولیت در این کشور همچنان محرومیت، حاشیه‌نشینی و سطوح پایین‌تر مشارکت ورزشی را تجربه می‌کنند که نشان‌دهنده قطع ارتباط بین سیاست‌های فراگیری و اجرای آن است. علیرغم این موضوع، توانایی‌گرایی^۲ تا حد بالایی در ساختارهای ورزشی نفوذ کرده است و اجازه رشد ورزش معلولان را نمی‌دهد. اندرسون و همکاران^۳ (۲۰۲۳) نیز به بررسی شرایط فدراسیون فلوربال^۴ سوئد برای فراگیری و میزبانی از افراد دارای معلولیت پرداختند. آن‌ها نشان دادند علیرغم نگاه مثبت مسئولان فدراسیون فلوربال نسبت به فراگیری، اما به دلیل آگاه نبودن سیاست‌گذاران کلیدی و وضعیت نامناسب تخصیص بودجه، این اقدام می‌تواند منجر به حاشیه رفتن افراد دارای معلولیت شود. اسبقیان، رئیس فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان، دو سال پس از انتقال رشته‌ها در مصاحبه‌ای اظهار داشت هیئت‌های استانی فدراسیون‌های ورزشی ملی، توجهی به ورزشکاران دارای معلولیت نمی‌کنند و این موضوع نارضایتی ورزشکاران دارای معلولیت را در پی داشته است (تسنیم، ۱۳۹۹). همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهند فدراسیون‌های ملی تجهیزات مناسبی برای ورزشکاران دارای معلولیت ندارند و اغلب مدیران فدراسیون‌های ملی با ورزش معلولان بیگانه هستند و در برخی از مواقع هیچ اولویتی برای ورزش معلولان قائل نمی‌شوند. اما برخی از گزارش‌ها و تحقیقات نشان می‌دهند انتقال رشته‌های ورزش معلولان به فدراسیون ملی در آینده به نفع ورزش معلولان خواهد بود و به دلیل ماهیت کاری، رشته‌های ورزشی معلولان سخت‌تری با فدراسیون‌های ملی دارند (تسنیم، ۱۳۹۹). در همین

¹ McBe et al.

² Ableism

³ Andersson et al.

⁴ Floorball

زمینه، پانکویک و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، ادغام ورزشکاران دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی ورزشی و یکپارچه‌بودن ساختار ملی ورزش با ورزش معلولان را یکی از عوامل اصلی برای موفقیت ورزشکاران در سطوح مختلف پارالمپیک مطرح کردند. آن‌ها پس از مصاحبه با ۲۳ متخصص ورزش پارالمپیک، ادغام ورزشکاران دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی را بسیار ضروری دانستند، چرا که اعتقاد داشتند این ادغام منجر به استفاده ورزشکاران دارای معلولیت از زیرساخت‌ها و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری فدراسیون‌های ملی و در نهایت به موفقیت ورزشکاران پارالمپیک منجر می‌شود. افزوده (۱۴۰۱) نیز بیان کرد این موضوع در بسیاری از موارد منجر به پیشرفت آن رشته ورزشی می‌شود و با توجه به فراهم کردن فرصت‌های برابر، فرایند فراگیری تسهیل می‌یابد. همچنین هاموند (۲۰۱۹) نشان داد ادغام ورزشکاران دارای معلولیت شنا در بدنه اصلی شنا در استرالیا باعث شده است تصویر عمومی نسبت به ورزشکاران دارای معلولیت بهبود پیدا کند. این سیاست در ورزش برخی از دانشگاه‌ها نیز اجرا شده که نتایج مطلوبی در پی داشته است. اجرای ورزش فراگیر در دانشگاه‌ها باعث شده است علاقه دانشجویان دارای معلولیت به مشارکت ورزشی و تماشای برنامه‌های ورزشی افزایش یابد (توسیم و اودیانگو، ۲۰۲۲).

ورزش برای افراد دارای معلولیت اغلب به عنوان بخشی از ورزش به آن نگریسته می‌شود. بنابراین محققان کمی به این حوزه توجه کرده‌اند (هامس و همکاران، ۲۰۰۳). علاوه بر این، اغلب تحقیقات پیرامون موانع و یا عوامل موثر بر مشارکت ورزشی (کیال و همکاران، ۱۴۰۰، لیموچی و همکاران، ۱۳۹۸، نادری و سکینه پور، ۱۳۹۹)، مناسب سازی اماکن ورزشی و شهری و برنامه‌ریزی شهری (غضنفرپور و همکاران، ۱۴۰۰، سهرابی و همکاران ۱۳۹۰)، بررسی اسناد حقوق بشری و حقوق شهروندی (سعیدی و ذاکریان، ۱۳۹۷)، پیامدهای مشارکت ورزشی افراد دارای معلولیت (دیرمانچی و همکاران، ۱۳۹۸، زر و همکاران ۱۳۹۷) بوده و تاکنون ساختار ورزش معلولان در ایران بررسی نشده است. طراحی و ارائه ساختار مناسب در ورزش و دارای توانمندی پاسخگویی به حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است (آجرلو، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت ساختار در توسعه یا عدم توسعه ورزش برای افراد دارای معلولیت در سطح جامعه و همچنین ارتقا یا عدم ارتقای جایگاه کاروان

^۱ Pankowiak et al.

^۲ Tusiime and Odiango

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

ایران در بازی‌های پارالمپیک و پاراآسیایی و اهمیت تشخیص ساختار صحیح برای سرمایه‌گذاری در ورزش معلولان (لگ و همکاران، ۲۰۱۱) محققان بر آن شدند تا ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال رشته‌های ورزشی معلولان به فدراسیون‌های ملی را شناسایی کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به صورت کیفی انجام شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری گلوله برفی و با رویکرد نمونه‌گیری همگون و در عین حال با رعایت حداکثر تنوع نمونه‌گیری^۱ انتخاب گردیدند. در پژوهش‌های کیفی، معیار دقیقی برای تخصیص حجم نمونه یا افراد شرکت‌کننده وجود ندارد، با این حال، بر اساس دیدگاه هاووی و گالوین^۲ (۲۰۱۶) بین ۴ تا ۴۰ مشارکت‌کننده برای این نوع پژوهش‌ها کافی می‌باشد. بر این اساس، ۱۳ نفر از خبرگان ورزش معلولان، خبرگان مدیریت ورزشی، ورزشکاران پارالمپیک، مدیران کمیته ملی پارالمپیک و مدیران فدراسیون‌ها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. همه مصاحبه‌شوندگان دارای دانش مدیریتی و یا تجربه اجرایی در حوزه ورزش معلولان بودند. از طرفی ورزشکاران مورد مصاحبه نیز تجربه جدایی از ساختار فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان و قرارگیری در فدراسیون ملی را داشتند. همه مصاحبه‌ها به منظور شناسایی ضرورت‌های انتقال رشته‌های ورزشی معلولان از فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان به فدراسیون‌های ورزشی ملی و چالش‌های موجود انجام پذیرفت. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه بود. مصاحبه به صورت رو در رو با شرکت‌کنندگان صورت گرفت و هر کدام بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شد تا همه شرکت‌کنندگان بتوانند تجربیات غنی و با جزئیات در اختیار مصاحبه‌گر قرار دهند (اسپارک و اسمیت، ۲۰۱۴). همچنین مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، برای بررسی ادراکات و دیدگاه‌های پیچیده انسانی مؤثر است. استفاده مؤثر از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته باعث افزایش عمق یافته‌ها می‌شود (کالیو و همکاران^۳، ۲۰۱۶). قبل از انجام مصاحبه، شرکت‌کنندگان از اهداف پژوهش به‌صورت کامل آگاه شدند و قبل از جلسه مصاحبه نیز سوالات برای آنان از سال شد. همچنین به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد در هر زمان از مصاحبه می‌توانند جلسه مصاحبه را ترک کنند و از فرایند پژوهش خارج شوند.

با توجه به مزایای تحلیل تم مانند انعطاف‌پذیری، توانایی خلاصه سازی تعداد زیاد داده، توانایی در تحلیل و توسعه داده‌های سیاست‌گذاری، محققان برای تحلیل داده‌ها از تحلیل تم استفاده کردند (براون و کلارک^۴،

¹ Maximum variance of sampling

² Holloway & Galvin

³ Kallio et al.

⁴ Braun & Clarke

۲۰۰۶). برای تحلیل داده‌ها، ابتدا تمام مصاحبه‌ها ضبط و سپس تایپ شد. پس از آن برای کمک به تسهیل کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها، محققان از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ استفاده کردند. همچنین برای تحلیل داده‌ها و تولید تم‌ها، روش استقرایی مد نظر نظر قرار گرفت. در روش استقرایی یا پایین به بالا، تم‌های شناسایی شده ارتباط محکمی با خود داده‌ها دارند. در این شیوه، داده‌ها کدگذاری می‌شوند و کدهای شبیه به هم در یک تم قرار می‌گیرند. پس به طور منطقی تم‌های از قبل تعریف شده‌ای وجود ندارد و الگوها و تم‌ها در طول تحلیل آشکار می‌شوند. برای تحلیل داده‌ها، مطابق با شش مرحله براون و کلارک (۲۰۰۶) انجام شد: ۱) آشنایی با داده‌ها، ۲) کدگذاری داده‌ها، ۳) تولید تم‌های اولیه از کدها، ۴) مرور و توسعه تم‌ها، ۵) تعریف و نامگذاری تم‌ها و ۶) نگارش گزارش. همچنین برای اطمینان از انجام صحیح تحلیل و همچنین افزایش اعتبار یافته‌ها، تلاش شد در هنگام تحلیل، چک‌لیست براون و کلارک (۲۰۰۶) مد نظر محققان قرار گیرد.

به منظور بررسی و افزایش اعتمادپذیری داده‌های حاصل از مطالعه در حین انجام پژوهش، از معیارهای گویا و لینکلن^۲ (۱۹۹۴) شامل ۱) اعتبارپذیری^۳؛ ۲) انتقال پذیری^۴؛ ۳) تایید پذیری؛ و ۴) اطمینان پذیری^۵ استفاده شد. در راستای تضمین تاییدپذیری داده‌ها، پژوهشگر از پرائتزگذاری^۶ استفاده کرد؛ بدین صورت که هنگام پرائتزگذاری، محقق سعی در انعکاس تجربیات شرکت‌کنندگان بر اساس درک معانی برخاسته از گفتگو داشته و از تحمیل عقاید خود جلوگیری می‌کند تا از ورود پیش‌فرض‌های ذهنی پژوهشگر جلوگیری شود. همچنین جهت تضمین انتقال‌پذیری داده‌ها، پژوهشگر از نمونه همگون با رعایت حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان در ویژگی‌های جامعه‌شناختی استفاده کرد تا یافته‌های پژوهش حداکثر قابلیت تعمیم را داشته باشد. همچنین ارتباط مطلوب با مصاحبه‌شوندگان و تخصیص زمان کافی به این مرحله نیز، از دیگر راهکارهای افزایش اعتمادپذیری داده‌ها بود. علاوه بر موارد فوق، برای افزایش اعتبار داده‌ها، از تکنیک مثلث‌سازی نیز استفاده شد (پاتون^۷، ۱۹۹۹). بدین منظور، علاوه بر مصاحبه با خبرگان این حوزه، اسناد و مدارک موجود در حوزه ورزش فراگیر نیز بررسی شد. از طرفی تجربه

^۱ MAXQDA

^۲ Guba & Lincoln

^۳ Credibility

^۴ Transferability

^۵ Dependability

^۶ Bracketing

^۷ Patton

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

نویسندگان مقاله حاضر در حوزه ورزش معلولان نیز تکمیل‌کننده فرایند مثلث‌سازی بود. برای بررسی پایایی، از روش پایایی توافق درون‌موضوعی استفاده شد. بدین منظور از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، سه مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شد و هرکدام از آن‌ها، توسط دو نفر از تیم پژوهش کدگذاری شد و درصد توافق درون‌موضوعی با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\%$$

پایایی بین کدگذاران برای سه مصاحبه انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول مذکور، ۸۶ درصد به دست آمد. لذا با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد می‌باشد، پایایی تحلیل و کدگذاری‌های مصاحبه‌ها تایید می‌شود.

یافته‌های پژوهش

ابتدا ویژگی جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه در جدول ۱ آورده شد:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	سمت
۱	عضو هیئت علمی دانشگاه، رشته مدیریت ورزشی
۲	عضو هیئت علمی دانشگاه، رشته مدیریت ورزشی
۳	دانشجوی دکتری رفتار حرکتی، فعال در حوزه ورزش معلولان
۴	عضو هیئت علمی دانشگاه، رشته آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی
۵	رئیس آکادمی فدراسیون ورزش‌های همگانی
۶	مربی تیم ملی پارا تیر و کمان
۷	ورزشکار تیم ملی رشته پاراکانو
۸	دبیر فدراسیون تیر و کمان
۹	دبیر سابق کمیته ملی پارالمپیک
۱۰	مشاور کمیته ملی پارالمپیک
۱۱	نایب رئیس سابق بانوان کمیته ملی پارالمپیک
۱۲	مربی و خبیره در حوزه ورزش‌های پارالمپیک

داده‌ها به صورت کلی در دو بخش ضرورت‌ها و چالش‌های انتقال طبقه بندی شدند. در قسمت اول، مشارکت ورزشی، الزامات بین‌المللی، حمایت‌های سیاسی قانونی، لزوم تنوع و فراگیری در جامعه، توسعه فنی، فقدان ظرفیت در فدراسیون‌های مبدا و لزوم توسعه پایدار به عنوان مقولات اصلی در بخش ضرورت انتقال طبقه‌بندی شدند. به طور کلی در این بخش، ۹۶ کد اولیه، ۲۰ مقوله فرعی و ۷ مقوله اصلی شناسایی شد. در جدول ۲، موارد فوق به صورت خلاصه آمده است:

جدول ۲: ضرورت انتقال رشته‌ها از فدراسیون ورزش‌های معلولان و جانبازان و فدراسیون ورزش‌های نابینایان به

فدراسیون‌های ملی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای اولیه
مشارکت ورزشی	تنوع و تعدد رشته و ورزشکاران دارای معلولیت	افزایش درصد معلولیت در جامعه، تنوع در رشته‌های ورزشی افراد دارای معلولیت، کلاسبندی‌های مختلف پزشکی و عملکردی در ورزشکاران دارای معلولیت، انواع معلولیت‌های متنوع دشواری‌های انجام ورزش برای افراد دارای معلولیت،
	فرصت‌های مشارکت ورزشی	مناسب نبودن اقدامات در زمینه توسعه مشارکت ورزشی، در دسترس نبودن ورزش، فراهم نبودن فرصت‌ها و رویدادهای ورزشی، مشارکت ورزشی پایین افراد دارای معلولیت
	افراد دارای معلولیت	تغییر چشم انداز کمیته بین‌المللی پارالمپیک و تاکید بر فراگیری در سال ۲۰۱۹، توجه کمیته بین‌المللی المپیک به ادغام، انتقال حاکمیت برخی از رشته‌ها از کمیته بین‌المللی پارالمپیک به فدراسیون‌های بین‌المللی، انعقاد تفاهم‌نامه‌های مشترک بین دو کمیته (المپیک و پارالمپیک) و همسویی سیاست‌ها
	سیاست‌های کمیته بین‌المللی پارالمپیک و المپیک	احترام به تفاوت‌ها، برابری، دوستی، توجه به منشور المپیک حضور ورزشکاران دارای معلولیت و بدون معلولیت در کنار هم
الزامات بین‌المللی	سیاست‌های کشورهای پیشرو	در کشورهای دنیا، اجرای سیاست انتقال رشته‌ها در برخی از کشورهای پیشرو از سال ۲۰۰۰
	سیاست‌های سازمان جهانی بهداشت	توجه به محیط اجتماعی افراد دارای معلولیت، کم‌رنگ کردن بحث پزشکی در معلولیت، تمرکز به رشته‌ی ورزشی به جای تمرکز بر

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

معلولیت، اجرای موفق سیاست آموزش فراگیر در کشورهای پیشرو (مشابه با سیاست انتقال رشته‌ها)	
تاکید اسناد حقوق بشری بر مشارکت افراد دارای معلولیت در جامعه، کنواسیون حقوق افراد دارای معلولیت، تاکید سند ۲۰۳۰	اسناد حقوق بشری
سازمان ملل متحد بر کاهش نابری‌ها توجه به حقوق افراد دارای معلولیت در قانون اساسی، توجه به افراد دارای معلولیت در قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش، تاکید بر مناسب‌سازی برای معلولان در قوانین، تاکید بر	
تکریم معلولان در قوانین، تاکید بر ایجاد فرصت مشارکت در فعالیت های اجتماعی- ورزشی در قوانین، حضور قوانین مناسب	قوانین داخلی
در کشور برای حمایت از حضور معلولان در جامعه اهمیت افراد دارای معلولیت برای سیاست‌گذاران در ایران، تخصیص بودجه مناسب به ورزش معلولان، حمایت دولت از ورزش معلولان،	حمایت سیاسی - قانونی
حمایت دولت از ورزش همگانی و قهرمانی معلولان لزوم ادغام افراد دارای معلولیت در جامعه، نفی جداسازی، لزوم ایجاد حس پذیرش در جامعه برای افراد دارای معلولیت، استفاده از ماهیت ورزش برای پذیرش تفاوت‌ها، استفاده از پتانسیل ورزش برای توسعه فراگیری، استفاده از ورزش برای زیست بهتر،	سیاسی
زیست سلامت آمیز در کنار هم، لزوم حضور افراد دارای معلولیت در متن جامعه، آشنا شدن بیشتر افراد بدون معلولیت با افراد دارای معلولیت	تنوع و فراگیری در جامعه
شبیه‌بودن رشته‌ها به یکدیگر، تخصیصی‌بودن فدراسیون ملی از لحاظ نوع ورزش، از لحاظ فنی اولویت با رشته ورزشی است، شباهت پایه‌ای رشته‌ها	تنوع و فراگیری در جامعه
بعد فنی رشته‌های پارا و غیر پارا، ارجحیت رشته ورزشی به ماهیت معلولیت	
احتمال افزایش سرعت پیشرفت ورزشکاران دارای معلولیت، رقابت ورزشکاران دارای معلولیت با ورزشکاران بدون معلولیت،	توسعه فنی
تمرین ورزشکاران دارای معلولیت با ورزشکاران بدون معلولیت،	ارتقای عملکرد

بهبود فضای رقابتی، بهبود عملکرد ورزشی افراد دارای معلولیت، افزایش انگیزه ورزشی افراد دارای معلولیت		
کمبود تجهیزات برای برگزاری اردو و یا مسابقات برای تعداد بالای ورزشکاران دارای معلولیت، کمبود خوابگاه، کمبود سالن ورزشی برای رشته‌ها، وضعیت نامناسب مالی فدراسیون ورزش -		
ضعف ساختاری	های جانبازان و معلولان، عدم توانایی در تامین بودجه متناسب با تعداد ورزشکاران تحت حمایت، فقدان ساختار مناسب در فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم‌نابینان، کمبود نیروی متخصص در فدراسیون ورزش‌های نابینایان و کم‌بینایان	
فقدان ظرفیت	ضعف و افول فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان در سال‌های اخیر، عملکرد نامناسب فدراسیون جانبازان علیرغم کاهش بار مسئولیت در سال‌های اخیر، عدم توانایی فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان در حمایت از تمامی ورزشکاران دارای معلولیت	ضعف در عملکرد
در فدراسیون‌های مبدا	فقدان توان لازم برای مدیریت همه رشته‌ها، شواری هماهنگی تعداد بالای رشته‌ها و ورزشکاران دارای معلولیت در یک فدراسیون، متکی به فرد بودن در فدراسیون توجه به برابری افراد دارای معلولیت و بدون معلولیت، توزیع عادلانه بودجه، توزیع عادلانه امکانات، ایجاد دسترسی برابر، برخورداداری از حقوق مساوی با سایر افراد، برخورداری از حقوق کامل شهروندی، احترام به ارزش‌های المپیک و پارالمپیک، دستیابی به فرصت‌های بیشتر، استفاده از امکانات و ظرفیت فدراسیون‌های ملی و هیئت‌های استانی و شهرستانی صرفه‌جویی در منابع، اشتراک در فعالیت‌های فدراسیون‌های تخصصی و فدراسیون‌های ملی	پیچیدگی مدیریتی
کاهش نابرابری	وجود داور، وجود مربی باکیفیت، وجود متخصص تغذیه، وجود متخصص روانشناسی، وجود ماسور، وجود مدیران باسابقه و ذی - نفوذ (در فدراسیون‌های ملی)	کاهش هزینه‌ها
لزوم توسعه پایدار		
منابع انسانی		

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

توسعه منابع فیزیکی و ساختاری	فضای ورزشی مناسب، وجود ساختار مناسب، وجود سایت تمرین، وجود خوابگاه‌های مناسب، تجهیزات مناسب تمرینی (در فدراسیون‌های ملی)،
ظرفیت‌سازی	تقسیم کار ملی و بین سازمانی در حوزه ورزش معلولان، تبدیل کمیته ملی پارالمپیک به نهاد حاکمیتی در ورزش معلولان، هماهنگ‌سازی کلیه فعالیت‌ها و برنامه‌ها، شبکه‌سازی گسترده در کشور از طریق هیئت‌های استانی و شهرستانی فدراسیون‌های ملی، مطالبه‌گری در خصوص ورزش معلولان

سپس داده‌ها در بخش چالش‌های انتقال رشته‌ها به فدراسیون‌های ملی طبقه‌بندی شدند. در این بخش، چالش‌های ساختاری، ضعف در سیاست‌های کلان، سوگیری، رویکرد استیجاری، مقاومت در برابر انتقال و فقدان تجربه زیست مشترک به عنوان مقولات اصلی شناسایی شدند. به طور کلی در این بخش، ۸۲ کد اولیه غیرتکراری شناسایی شد که در ۱۵ مقوله فرعی و ۶ مقوله اصلی طبقه‌بندی گردیدند. در جدول ۳، موارد فوق به صورت خلاصه آمده است:

جدول ۳: چالش‌های انتقال رشته‌ها از فدراسیون ورزش‌های معلولان و جانبازان و فدراسیون ورزش‌های نایبانیان به

فدراسیون‌های ملی		
مقولات اصلی	مقولات فرعی	کد اولیه
چالش‌های ساختاری	فقدان رویکرد فراگیر در تجهیزات و زیرساخت‌ها	عدم وجود تجهیزات مناسب ورزشکاران دارای معلولیت، مناسب نبودن دستگاه‌های بدنسازی برای افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی، عدم طراحی ساختمان‌های اداری فدراسیون‌ها با رویکرد فراگیر، عدم مناسب‌سازی فضاهای تمرینی، مناسب نبودن وضعیت دسترسی به خوابگاه‌ها
	فقدان آشنایی منابع انسانی با رویکرد معلولیت	کمبود نیروی انسانی آشنا به افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی، فقدان مربیان تخصصی ورزش معلولان، ارتباط نامناسب مدیران فدراسیون‌های ملی با افراد دارای معلولیت
	ضعف در مرحله انتقال	آماده نبودن زیرساخت‌ها جهت انتقال، انتقال عجولانه رشته‌ها، انتقال بدون برنامه‌ریزی، انتقال بدون مرحله‌بندی و فازبندی، آماده نبودن ذینفعان برای انتقال، عدم آگاهی رسانه‌ها از ورزش فراگیر، عدم اقلاسازی صحیح از لزوم انتقال رشته

فقدان هماهنگی لازم بین فدراسیون و کمیته ملی پارالمپیک،		
عدم شفاف سازی روابط بین فدراسیون‌ها و کمیته ملی		
پارالمپیک، عدم تقسیم وظایف شفاف بین کمیته ملی پارالمپیک		
و فدراسیون‌های ملی، پاسخگو نبودن فدراسیون‌های ملی به		
ورزشکاران دارای معلولیت، دیدگاه متفاوت فدراسیون‌های ملی		
و کمیته ملی پارالمپیک،		
ضعف در هیئت‌های استانی فدراسیون‌ها برای ساماندهی		
ورزشکاران دارای معلولیت، عدم توسعه بخش ورزش معلولان		
در هیئت‌های استانی و شهرستانی، کم بودن بودجه هیئت‌های		
استانی، عدم توان هیئت‌ها در حمایت از ورزشکاران دارای		
معلولیت، عملکرد بسیار ضعیف هیئت‌های فدراسیون‌های ملی		
در مورد ورزش معلولان، عدم ابلاغ فدراسیون‌های ملی به		
هیئت‌ها در مورد لزوم توسعه ورزش معلولان، عدم توجه		
هیئت‌ها در مورد سیاست‌های فراگیر، سردرگم شدن		
ورزشکاران شهرستان		
مضعف شدن مأموریت فدراسیون‌های ملی، عدم تناسب		
مأموریت‌ها با بودجه فدراسیون‌ها، افزایش مشکلات در		
فدراسیون‌های ملی، عدم هزینه کرد فدراسیون‌های ملی برای		
ورزش معلولان، هزینه کرد بودجه ورزش معلولان برای		
ورزشکاران بدون معلولیت		
فقدان اعمال سیاست فراگیر در اسناد بالادستی، به‌روز نبودن		
قوانین مرتبط با سیاست فراگیر، فقدان سیاست‌های کلان و		
همسو، فقدان وجود نگاه همه جانبه به سیاست ورزش فراگیر،		
ضعف در اسناد بالادستی		
فراگیر، کم‌رنگ بودن کمیته ملی پارالمپیک در اساسنامه		
فدراسیون‌ها		

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

فقدان ضمانت‌های اجرایی سیاست‌های ورزش فراگیر	اجرای نشدن سیاست‌ها در عمل، ضعف در اجرای دستورالعمل‌ها، وجود شکاف بین سیاست‌های وزارت ورزش و کمیته ملی پارالمپیک، عدم همکاری مناسب وزارت ورزش در توسعه سیاست ورزش فراگیر
سوگیری‌های توجه	به حاشیه رفتن ورزش معلولان، در معرض تبعیض قرار گرفتن ورزشکاران دارای معلولیت، در اولویت نبودن ورزشکاران دارای معلولیت، توجه بیشتر به ورزشکاران بدون معلولیت، در سایه قرار گرفتن ورزشکاران دارای معلولیت، توجه بیشتر رسانه‌ها به ورزشکاران بدون معلولیت، توجه تماشاگران به ورزشکاران بدون معلولیت، توجه آزاردهنده به ورزشکاران دارای معلولیت، دلسرد شدن ورزشکاران دارای معلولیت، خطر کاهش عمر قهرمانی ورزشکاران دارای معلولیت به دلیل بی‌توجهی در فدراسیون‌های ملی، ارزش بیشتر مدال المپیک نسبت به پارالمپیک برای فدراسیون‌ها، توجه بیشتر فدراسیون بر روی ورزشکاران المپیکی
سوگیری‌های مالی	در شرایط مالی محدود اولویت با ورزشکاران بدون معلولیت خواهد بود، محق دانستن ورزشکاران بدون معلولیت در دریافت خدمات بیشتر
عدم پذیرش	مقاومت فدراسیون‌های مقصد برای پذیرش رشته جدید، عدم وجود تمایل در فدراسیون‌های ملی، پذیرفته نشدن رشته ورزشی معلولان در فدراسیون‌های ملی توسط مدیران و کارشناسان، علاقه کم فدراسیون‌های ملی به پذیرش ورزشکاران دارای معلولیت، عدم وجود انگیزه در بین روسای فدراسیون‌ها، نگاه سربار فدراسیون‌ها به ورزشکاران دارای معلولیت
رویکرد استیجاری	تخصیص بودجه برای ورزش قهرمانی، توجه به ورزش قهرمانی، غفلت از استعدادیابی، عدم توجه به ورزش پایه معلولان در فدراسیون‌های ملی، تنها استفاده از افتخارات
رویکرد قهرمان محوری	

ورزشکارا پارا، عدم توجه به پشتوانه سازی در ورزش معلولان		
توسط فدراسیون های ملی،		
احتمال کاهش تعداد ورزشکاران معلول، عدم استفاده ظرفیت		
فقدان آینده سازی	کامل فدراسیون های ملی برای ورزشکاران پارا، وجود وابستگی	
مالی رشته ها به کمیته ملی پارالمپیک،		
مقاومت فدراسیون های مبدا برای واگذاری رشته ها،		
مقاومت در برابر انتقال	عدم همکاری فدراسیون های مبدا در دوره گذار، عدم حمایت	مقاومت در برابر انتقال
	دانشی فدراسیون مبدا در دوران گذار، عدم حمایت تجهیزاتی	
فدراسیون مبدا در دوران گذار		
احتمال توهین به ورزشکاران دارای معلولیت، ترحم به		
فقدان تجربه زیست	ورزشکاران دارای معلولیت، فقدان درک ورزشکاران دارای	فقدان تجربه زیست
مشترک	معلولیت، عدم شناخت دو گروه (ورزشکاران دارای معلولیت و	مشترک
	بدون معلولیت) از یکدیگر، عدم آشنایی مدیران با نیازهای	
ورزشکاران دارای معلولیت		

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی ضرورت ها و چالش های انتقال رشته های پارالمپیک از فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولان به فدراسیون های ملی بود. پس از تحلیل داده ها، چالش های ساختاری، ضعف در سیاست های کلان، سوگیری، رویکرد استیجاری، مقاومت در برابر انتقال و فقدان تجربه زیست مشترک به عنوان چالش های انتقال شناسایی شدند. یکی از چالش های اصلی ورزشکاران رشته های پارالمپیک پس از انتقال، قرار گرفتن در سایه ورزشکاران المپیک بود. با توجه به نتایج تحقیق، به نظر می رسد ورزشکاران دارای معلولیت برای فدراسیون های ملی در اولویت نمی باشند و این موضوع خود را در بخش های مختلفی از جمله توجه بیشتر به ورزشکاران المپیک، به حاشیه رفتن ورزش معلولان و مورد تبعیض قرار گرفتن ورزشکاران دارای معلولیت نشان می دهد. همچنین در شرایط مالی محدود نیز اولویت تمرین، مسابقه و اعزام همواره با ورزشکار بدون معلولیت است. این موارد باعث شده است فدراسیون های ملی رویکرد استیجاری را در مورد رشته های معلولان در پیش بگیرند. بدین منظور فدراسیون ها علاقه ای برای پذیرش رشته های معلولان را ندارند و از ورزشکاران دارای معلولیت تنها برای کسب مدال و افتخار برای فدراسیون استفاده می کنند، این در حالی است نگاه فدراسیون ها به رشته های معلولان موقت و کوتاه مدت است و برنامه های استعدادیابی و توجه به ورزش پایه در برنامه های

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

فدراسیون‌های ملی قرار ندارد. در مورد این یافته، می‌توان به «نظریه توانایی‌گرایی» اشاره کرد. توانایی‌گرایی، نگرشی است که از طریق ارزش‌گذاری به افراد بدون معلولیت و توانا، ناتوانی و افراد دارای معلولیت را بی‌ارزش می‌کند. این نظریه، افراد بدون معلولیت را طبیعی و افراد دارای معلولیت را غیر طبیعی و منفی طبقه‌بندی می‌کند و در نتیجه باعث جدایی آنان از جامعه و انزوای اجتماعی می‌شود (کمپبل^۱ ۲۰۰۸؛ بریتین، بیسیکا و جرادی^۲ ۲۰۲۰). در سال‌های اخیر، این نظریه برای عموم به صورت طبیعی گسترش پیدا کرده و توسط جامعه نیز پذیرفته و به عنوان هنجارهای قوی به رسمیت شناخته شده است. ترویج «نظریه توانایی‌گرایی» در جامعه منجر به نگرش‌های تعصب‌آمیز و رفتارهای تبعیض‌آمیز نسبت به افراد دارای معلولیت می‌شود (وولبرینگ^۳ ۲۰۱۲). از این رو، افرادی که به بهترین وجه با هنجارهای تفسیر شده مطابقت دارند (افراد بدون معلولیت)، بر گروه دیگر (افراد دارای معلولیت) مسلط می‌شوند (بریتین و همکاران ۲۰۲۰). همانگونه که نتایج تحقیق حاضر نشان داد و مطابق با نظریه فوق، افراد بدون معلولیت در فدراسیون‌های ملی به گروه‌های مسلط تبدیل شده‌اند و همواره اولویت در ورزش قهرمانی، اعزام‌ها، رسانه، همگانی و استعدادیابی با این افراد است و ورزشکاران دارای معلولیت در حاشیه قرار گرفته‌اند.

برای تحلیل این نتایج، علاوه بر نظریه فوق می‌توان از مدل پزشکی و اجتماعی معلولیت نیز بهره برد. در مدل پزشکی، معلولیت به عنوان یک مشکل بیولوژیکی شناخته می‌شود. در این مدل، معلولیت به عنوان یک نقص شناخته می‌شود که حتماً باید درمان شود. در مقابل، مدل اجتماعی از معلولیت، ناتوانی را به عنوان تفاوت و نه لزوماً خوب یا بد تعریف می‌کند. مدل اجتماعی معلولیت، کمبود فرصت (مثلاً استخرهای شنای محلی محدود) و رفتارهای تبعیض‌آمیز (مثلاً مسخره کردن) را برجسته می‌کند (مارتین^۴ ۲۰۱۳). در ایران، برای سالیان طولانی مدل پزشکی مرسوم بوده و این موضوع باعث شده است نگرش مردم به افراد دارای معلولیت منفی باشد و همواره آنان را در گروه‌های جدا قرار دهند (موسوی، ۲۰۲۲). همین دیدگاه باعث شده است در سال‌های گذشته تأکید بر نقصان معلولیت و جداسازی باشد و فدراسیون‌های ورزشی اختصاصی برای افراد دارای معلولیت توسعه یابد. این دیدگاه تاکنون ادامه داشته است و مدیران ورزشی نیز در مقابل تغییر این ساختار مقاومت می‌کنند. این موضوع هم منجر به عدم‌پذیرش ورزشکاران دارای معلولیت توسط فدراسیون‌های ملی شده و هم فدراسیون ورزش‌های جانبازان و معلولان در برابر انتقال مقاومت نشان داده است.

¹ Campbell

² Brittain, Biscaia, Gérard

³ Wolbring

⁴ Martin

یکی دیگر از چالش‌های شناسایی شده، چالش‌های ساختاری از جمله فقدان رویکرد فراگیر در تجهیزات و زیرساخت‌ها بود. در این بخش نیز می‌توان به مدل اجتماعی اشاره کرد. در مدل اجتماعی بیان می‌شود که محیط می‌تواند منجر به محدودیت افراد دارای معلولیت شود. در واقع، مناسب نبودن تجهیزات و اماکن ورزشی، عدم طراحی ساختمان‌های فدراسیون با رویکرد فراگیر و وضعیت دسترسی نامناسب برای افراد دارای معلولیت، همان عدم توجه به مدل اجتماعی معلولیت است. در همین راستا مارتین (۲۰۱۳) در پژوهش خود، یکی از موانع توسعه مدل اجتماعی را موانع ساختاری مختلفی از جمله: فقدان رمپ، رمپ‌های بسیار شیب‌دار، درهای بسیار باریک و ... بیان می‌کند. البته پژوهش‌های مختلفی در ایران نیز، یکی از موانع اصلی و چالش‌های مشارکت ورزشی را عدم مناسب سازی و تجهیزات مناسب بر شمرده‌اند (لیموجی و همکاران، ۱۳۹۸؛ سبجانی و همکاران، ۱۳۹۴). ضعف در فرایندها و فقدان توجه به ورزش فراگیر در اسناد بالادستی در مقوله ساختاری از دیگر چالش‌های اساسی این رویکرد شناسایی شد. در این زمینه می‌توان به فقدان قوانین فراگیر در اسناد بالادستی، متناسب نبودن آیین‌نامه فدراسیون‌ها با ورزش فراگیر و در نهایت فقدان سیاست‌های کلان و هم‌سو (کمیته ملی پارالمپیک و وزارت ورزش) اشاره کرد. این موارد باعث شده است فدراسیون‌های ملی در قبال توسعه ورزش معلولان احساس مسئولیت نداشته باشند. بدیهی است که برای تغییر حاکمیت بخش‌های مختلف ورزش، نیاز به بروزرسانی آیین‌نامه‌ها و قوانین کلان ورزشی کشور است. در همین راستا، پانکویک و همکاران (۲۰۲۳) پیشنهاد دادند دولت‌ها باید اجرای سیاست ورزش فراگیر را رهبری کنند و به صورت مداوم ارزیابی نمایند تا اطمینان حاصل شود که فدراسیون‌های ملی نسبت به ورزشکاران دارای معلولیت متعهد هستند و اقدامات حمایتی لازم را انجام می‌دهند. در واقع باید از طریق قانونگذاری، فرصت‌های مشارکت افراد دارای معلولیت در فدراسیون‌های ملی افزایش یابد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود در اسانامه فدراسیون‌ها، حداقل دو ورزشکار دارای معلولیت در کمیسیون ورزشکاران قرار گیرند و به تبع آن حداقل دو ورزشکار دارای معلولیت نیز در مجمع عمومی فدراسیون حضور یابند. همچنین مربی، داور، خبره و فرد دارای کرسی بین‌المللی در حوزه ورزش معلولان نیز در مجمع عمومی فدراسیون‌ها قرار گیرند. از طرفی باید رئیس بخش ورزش معلولان فدراسیون ملی عضو هیئت رئیسه باشد. بدیهی است به منظور افزایش فرصت مشارکت افراد دارای معلولیت، آن‌ها باید در تصمیم‌گیری به صورت مستقیم دخیل باشند (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۳). در این زمینه می‌توان به کدهای حاکمیتی ورزش انگلستان نیز اشاره کرد. در این سند به پنج اصل ساختار، افراد، فرایند و سیاست‌گذاری، ارتباطات و استانداردهای سازمان‌های ورزشی انگلستان اشاره شده و آنان را موظف کرده است در این پنج بخش به افراد متنوع مانند افراد دارای معلولیت، زنان و توجه ویژه نمایند (کدهای

توسعه ورزش فراگیر؛ ضرورت و چالش‌های تغییر حاکمیت ورزش معلولان در ایران

شماره ۷ این سند، توسعه همکاری نزدیک کمیته بین‌المللی المپیک و سازمان‌های المپیک با سازمان‌های ورزش معلولان برای افزایش سینرژی در تمام ابعاد آمده است (دستورکار کمیته بین‌المللی المپیک، ۲۰۲۰). همچنین کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، حق دسترسی به خدمات در تمام حوزه‌های شهروندی از جمله فعالیت‌های تفریحی و ورزشی را برای افراد دارای معلولیت در نظر گرفته است (کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، ۲۰۰۶). برخلاف رویکردهایی که حول محور پزشکی طراحی شده‌اند، این ماده از کنوانسیون بر پایه مسائل اجتماعی طراحی شده و معلولیت را حاصل فرایند اجتماعی می‌داند. در واقع فرایند مذکور نتیجه تعامل بین افراد دارای معلولیت، موانع محیطی و نگرش‌های اجتماعی است که مشارکت اجتماعی فرد دارای معلولیت را شکل می‌دهد (بارنز و همکاران^۱، ۲۰۲۰). این قانون بر اساس اصول احترام به کرامت انسانی و استقلال فردی، عدم تبعیض، مشارکت و فراگیری در جامعه، احترام به تفاوت و پذیرش افراد دارای معلولیت به‌عنوان بخشی از تنوع انسانی و انسانیت، برابری فرصت‌ها و دسترسی تدوین شده است (میزنر و دارسی، ۲۰۱۴) که به نظر می‌رسد با انتقال رشته‌ها به فدراسیون‌های ملی حق فوق و اصول فوق تا حدی در بخش ورزش و زندگی اجتماعی محقق خواهد شد. البته که در ایران نیز همواره قوانینی برای حمایت از افراد دارای معلولیت در ابعاد مختلف تدوین شده است؛ قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ که به ورزش، اشتغال و مناسب‌سازی اماکن ورزشی اشاره شده است. در منشور حقوق شهروندی نیز معلولان به صورت ویژه دیده شده‌اند و در ماده ۵ آن به حق افراد دارای معلولیت برای زندگی مستقل و مشارکت در جنبه‌های مختلف ورزشی اشاره شده است. به صورت اختصاصی در حوزه ورزش نیز در سال ۱۳۹۶، مصوبه سیاست‌ها، راهبردها، وظایف و ضوابط اجرایی ترویج فرهنگ حضور، توانمندی و افتخارآفرینی جانبازان و معلولان از طریق ورزش توسط شورای انقلاب فرهنگی تصویب شد که در آن تلاش گردیده سازمان‌های مختلف را موظف به کمک برای توسعه ورزش معلولان کند و موانع اجتماعی و نگرشی را حذف نماید. بنابراین قانون‌های حمایتی گسترده از معلولان در ایران نیز نشان می‌دهد تنها دو فدراسیون تخصصی نمی‌توانند فرصت‌های مشارکت ورزشی برابری را ایجاد کنند و بدیهی است فدراسیون‌های مختلف ورزشی در این حوزه موفق‌تر عمل خواهند کرد.

علیرغم ضرورت انتقال به منظور فراگیری، افزایش فرصت‌ها و توسعه مشارکت ورزشی، اما به نظر می‌رسد این انتقال چالش‌های فراوانی را برای ورزشکاران دارای معلولیت، فدراسیون‌های ملی و کمیته ملی پارالمپیک در پی داشته است. یکی از پیشنهادات اساسی برای بهبود این فرایند در مرحله اول،

¹ Barnes and et al.

به‌روزرسانی سیاست‌های کلان ورزشی، تغییر آیین نامه‌ها و اساسنامه فدراسیون است که می‌تواند به بهبود این انتقال و افزایش تعهد فدراسیون‌ها نسبت به ورزشکاران دارای معلولیت کمک نماید.

منابع

- آجرلو، محمد. (۱۳۹۱). «طراحی ساختار و سازماندهی در ورزش ایران». رساله دکتری، دانشگاه امام حسین ع.
- افروزه، علی. (۱۴۰۱). جنبش پارالمپیک. تهران: انتشارات حتمی
- پورکیانی، محمد؛ افروزه، علی؛ برومند، محمد رضا و سهیلی، سحر. (۱۴۰۱). «تاثیر اجرای برنامه جهانی «من می‌توانم» بر تغییر نگرش دانش‌آموزان ایرانی نسبت به ورزش فراگیر». پژوهش در ورزش تربیتی. ۱۰ (۲۶)، صص ۱۴۷-۱۷۲.
- دیرمانچی، نیلوفر و خانجانی، محمدسعید. (۱۳۹۸). «مقایسه تاب‌آوری و خودکارآمدی معلولان ضایعه نخاعی ورزشکار و غیرورزشکار». مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. ۲۵ (۲)، صص ۱۵۰-۱۶۳.
- زر، عبدالصالح؛ علوی، سلمان؛ حسینی، سید علی و جعفری، منصور. (۱۳۹۷). «بررسی اثربخشی فعالیت ورزشی بر میزان کیفیت زندگی، سلامت روانی و افسردگی معلولان». نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری. ۴ (۳)، صص ۳۱-۳۹.
- سبحانی، عباس؛ اندام، رضا و ظریفی، مجتبی. (۱۳۹۴). «بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر و موانع مشارکت ورزشی معلولان شهر اهواز». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۲ (۲)، صص ۴۲-۴۸.
- سعیدی، فرید و ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۷). «سیاست‌گذاری افزایش مشارکت معلولان در پرتو قانون جامع حمایت از معلولان و اسناد بین‌المللی». مجله مطالعات ناتوانی. ۸، صص ۱۱۰-۱۱۶.
- سهرابی، پوریا؛ کاشف، میرمحمد؛ جوادی‌پور، محمد و حسینی، فاطمه سادات. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت جانیایی بنا و مناسب‌سازی (دسترسی) اماکن ورزشی ارومیه با توجه به استانداردهای ملی و بین‌المللی». نشریه مدیریت ورزشی. ۳ (۱۰)، صص ۵-۲۱.
- غضنفرپور، حسین؛ عبدالحی، علی اصغر و مرادزاده، فیروزه. (۱۴۰۰). «برنامه‌ریزی فضاهای شهری برای تأمین نیازهای معلولان و جانبازان (نمونه پژوهش: منطقه دو شهری کرمان)». برنامه‌ریزی فضایی. ۱۱ (۲)، صص ۱۶۳-۱۸۶.
- کیال، مریم، نادری‌نسب، مهدی و ماجدی، نیما. (۱۴۰۰). «واکای مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت معلولان در فعالیت بدنی». فصل‌نامه علوم ورزش. ۱۳ (۴۴)، صص ۲۳۷-۲۵۶.
- لیموچی، سیما؛ مشرف جوادی، بتول؛ صفانیا، علی‌محمد و محمدی، فریا. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت معلولان در فعالیت‌های ورزشی». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۹ (۱۸)، صص ۷۷-۹۰.
- نادری، عین‌الله و سکیته‌پور، عین‌الله. (۱۳۹۹). «بررسی موانع مشارکت در فعالیت‌های بدنی و ورزش در معلولان استان کرمانشاه». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۶ (۳۱)، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- Andersson, M., Karp, S., & Wickman, K. (2023). "The pre-stage of inclusion—conditions for the mainstreaming process of parasports within the Swedish Floorball Federation". Sport in Society, 1-19.
- Barnes, C., Mercer, G., & Shakespeare, T. (2010). Exploring disability: A sociological introduction. Cambridge, UK: Palgrave
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". Qualitative research in psychology, 3(2), 77-101.
- Brittain, I. (2016). The paralympic games explained. Routledge
- Brittain, I., Biscaia, R., & Gérard, S. (2020). "Ableism as a regulator of social practice and disabled peoples' self-determination to participate in sport and physical activity". Leisure Studies, 39(2), 209-224.
- Campbell, F. K. (2008). "Exploring Internalized Ableism Using Critical Race Theory". Disability & Society. 23 (2): 151-162.

- Darcy, S., Maxwell, H., Edwards, M., & Almond, B. (2023). "Disability inclusion in beach precincts: beach for all abilities—a community development approach through a social relational model of disability lens". *Sport Management Review*, 26(1), 1-23.
- Gardner, A., Love, A., & Waller, S. (2023). "How do elite sport organizations frame diversity and inclusion? A critical race analysis". *Sport Management Review*, 26(3), 339-360.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). "Competing paradigms in qualitative research". *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Hammond, A. (2019). "The mainstreaming of disability swimming in Australia, 1990-2016". *Sporting Traditions*, 36(1), 43-62.
- Hammond, A., & Jeanes, R. (2018). "Federal government involvement in Australian disability sport, 1981-2015". *The international journal of the history of sport*, 35(5), 431-447.
- Holloway, I., & Galvin, K. (2016). *Qualitative research in nursing and healthcare*. John Wiley & Sons.
- Howe, P. D. (2007). "Integration of Paralympic athletes into athletics Canada". *International Journal of Canadian Studies*, (35), 133-150.
- Howe, P.D., and C. Jones. (2006). "Classification of Disabled Athletes: (Dis) empowering the Paralympic Practice Community". *Sociology of Sport Journal* 23: 29-46.
- Hums, M. A., Moorman, A. M., & Wolff, E. A. (2003). "The inclusion of the Paralympics in the Olympic and Amateur Sports Act: Legal and policy implications for integration of athletes with disabilities into the United States Olympic Committee and national governing bodies". *Journal of Sport and Social Issues*, 27(3), 261-275.
- Isett, K. R., Mergel, I. A., LeRoux, K., Mischen, P. A., & Rethemeyer, R. K. (2011). "Networks in public administration scholarship: Understanding where we are and where we need to go". *Journal of public administration research and theory*, 21(suppl 1), i157-i173.
- International Paralympic Committee. (2019). "A SUMMARY OF THE PROPOSAL TO REFORM THE GOVERNANCE OF THE INTERNATIONAL PARALYMPIC COMMITTEE". Retrieved from https://library.olympics.com/Default/doc/SYRACUSE/209758/remaining-fit-for-purpose-a-summary-of-the-proposal-to-reform-the-governance-of-the-international-pa?_lg=en-GB
- International Paralympic Committee. (2022). **2022 Annual Report**. Retrieved from <https://www.paralympic.org/news/IPCpublish20212022AnnualReport>
- International Paralympic Committee. (2019). **2019-2022 Strategic Plan**. Retrieved from https://www.paralympic.org/sites/default/files/document/190704145051100_2019_07+IPC+Strategic+Plan_web.pdf
- Kallio, H., Pietilä, A. M., Johnson, M., & Kangasniemi, M. (2016). "Systematic methodological review: Developing a framework for a qualitative semi-structured interview guide". *Journal of Advanced Nursing*, 72(12), 2954-2965.
- Kitchin, P. J., & Howe, P. D. (2014). "The mainstreaming of disability cricket in England and Wales: Integration 'One Game' at a time". *Sport Management Review*, 17(1), 65-77.
- Klenk, C., Albrecht, J. B., & Nagel, S. (2019). "Social participation of people with disabilities in organized community sport. A systematic review". *German journal of exercise and sport research*, 49(4), 365-380.
- Legg, D., Bosscher, V. D., Shibli, S., & Bottenburg, M. V. (2011). "What is the ideal Paralympic sport system? Future research directions". *ICSSPE Bulletin*, 61, 2.
- Legg, D., Fay, T., Wolff, E., & Hums, M. (2015). "The International Olympic Committee–International Paralympic Committee Relationship: Past, Present, and Future". *Journal of Sport and Social Issues*, 39(5), 371-395.
- McBean, C., Townsend, R. C., & Petrie, K. (2022). "An historical analysis of disability sport policy in Aotearoa New Zealand". *International Journal of Sport Policy and Politics*, 14(3), 419-434.

- Martin, J. J. (2013). **"Benefits and barriers to physical activity for individuals with disabilities: a social-relational model of disability perspective"**. Disability and rehabilitation, 35(24), 2030-2037.
- Misener, L., & Darcy, S. (2014). **"Managing disability sport: From athletes with disabilities to inclusive organisational perspectives"**. Sport Management Review, 17(1), 1-7.
- Misener, L., Darcy, S., Legg, D., & Gilbert, K. (2013). **"Beyond Olympic legacy: Understanding Paralympic legacy through a thematic analysis"**. Journal of sport management, 27(4), 329-341.
- Mousavi, S. (2022). **"An Autoethnographic Review of Disability in Iran"**. Master's diss, University of Manitoba.
- Pankowiak, A., Brockett, C., De Bosscher, V., & Westerbeek, H. (2023). **"National Paralympic sport policies influencing a country's Paralympic success"**. International Journal of Sport Policy and Politics, 1-21.
- Patton, M.Q. (1999). **"Enhancing the quality and credibility of qualitative analysis"**. Health Sciences Research, 34, 1189-1208.
- Peers, D., Konoval, T., & Naturkach, R. M. (2020). **"(Un) imaginable (Para-) athletes: A Discourse Analysis of Athletics Websites in Canada"**. Adapted physical activity quarterly, 37(1), 112-128.
- Policy on Sport for Persons with a Disability. (2006). <https://www.canada.ca/en/canadian-heritage/services/sport-policies-acts-regulations/policy-persons-with-disability.html>
- Sørensen, M., & Kahrs, N. (2006). **"Integration of Disability Sport in The Norwegian Sport Organizations: Lessons Learned"**. Adapted physical activity quarterly, 23(2).
- Steadward, R. D. (1996). **"Integration and sport in the Paralympic movement"**. Sport Science Review, 5(1), 26-41.
- Tusiime, O., & Odiango, R. (2022). **"Assessment of the Status of Disability Mainstreaming in Sports at Makerere University"**. Journal of Sports Science and Physical Education, Vol, 7(4), 91-99.
- United Nations. (2006). **"Convention on the rights of persons with disabilities"**. Retrieved from: <http://www.un.org/esa/socdev/enable/rights/convtexte.htm>: United Nations General Assembly A/61/611.
- Wilhite, B., Mushett, C. A., Goldenberg, L., & Trader, B. R. (1997). **"Promoting inclusive sport and leisure participation: Evaluation of the Paralympic Day in the school's model"**. Adapted Physical Activity Quarterly, 14(2), 131-146.
- Wolbring, G. (2012). **"Expanding Ableism: Taking down the Ghettoization of impact of disability studies scholars"**. Societies, 2(3), 75-83.
- World Health Organization. (2013). **Disability – Report by the secretariat**. Retrieved from http://apps.who.int/gb/ebwha/pdf_files/WHA66/A66_12-en.pdf.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی